دلائل قرآنی
در
رد مقاله همدانی



نویسنده: آیت الله سید حسین مجتهد عرب باغی ارومی

تصحیح تحقیق و پاورقی: سید محمد مومن زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی

نویسنده:

سید حسین عرب باغی ارموی

ناشر چاپی:

عطرعترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : عرب باغی، حسین، ۱۲۵۶ – ۱۳۲۹.

عنوان و نام پدیدآور : دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی.

مشخصات نشر : قم : عطر عترت ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۴۱ ص. ؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۱۰-۳ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر

یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۱.

شناسه افزوده : مومن زاده، سید محمد، ۱۳۶۵-

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۸۲۴۳

ص: ۱

اشاره

ص : ۲

سرشناسه : عرب باغی، حسین، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۹.

عنوان و نام پدیدآور: دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی.

مشخصات نشر: قم: عطر عترت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۵۳ ص. ؛ ۱۴/۵*۲۱/۵ س م.

شابک: ۳-۱۱۰-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸ ۲۰۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص . ۵۳.

شناسه افزوده: مؤمن زاده، سید محمد، ۱۳۶۵.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۸۲۴۳

شناسنامهٔ کتاب

نام کتاب: دلائل قرآنی در رد مقالهٔ همدانی

مؤلّف: آیه الله آقا سید حسین آقا مجتهد عرب باغی ارومی

تصحیح، تحقیق و پاورقی: سیدمحمد مومن زاده

صفحه آرائی: مهندس صابر بهلولی

نوبت چاپ:

ناشر:

شابک:

شمارگان: نسخه

قیمت:

ص: ۳

تمثال آیه الله عرب باغی

ص: ۴

مرقد آیه الله عرب باغی

ص: ۵

نمونهٔ خطی اثر و شناسنامهٔ آن در کتابخانهٔ آستان قدس

ص: ۶

با تشکر از امام رئوف، صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه شریف که هستی مان را مدیون اوئیم

با تشکر از

استادم حجه الاسلام و المسلمین کنعانی، آموزگار الفبای طلبگی ام؛

استاد مباحث مسیحیت حجه الاسلام و المسلمین کاشانی که الحق و الانصاف با دلسوزی و سعهٔ صدر در این رشته یاریم نمود؛

و استاد حاج آقای رنجبر که حقیر را در مسیر طلبگی بسیار راهنمائی نموده، و پدرانه در کنارم بود.

ص: ۷

مختصری از شرح حال سید حسین آقا عرب باغی ارومی

(۱۳۲۹ – ۱۲۵۴ هجری شمسی)

آقا سید حسین فرزند سید نصراله فرزند سید صادق موسوی معروف به سیدعرب باغی یکی ازعلمای مشهور قرن اخیراست که درسال ۱۲۵۴ شمسی در روستای «سعیدلوی» ارومیه به دنیا آمد. سپس در جوانی به شهر آمده و تحت سرپرستی عمویش حاج سید حسن به کسب دانش پرداخته و پس از هشت سال تحصیلات مقدماتی در ارومیه برای ادامهٔ تحصیلاتش به شهر مقدس مشهد رفته و بعد به نجف اشرف روانه شده و از محضر عالمانی چون آیهالله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محسن کوه کمره ای و شریعت اصفهانی بهره مند شده است. ایشان پس از کسب درجهٔ اجتهاد به ارومیه برگشت و به ارشاد مردم پرداخت و درمسجد جامع ارومیه نماز می گذاشت. سید عرب باغی درسال ۱۳۲۹ شمسی (۱۳۶۹ قمری) در سن ۷۵ سالگی در ارومیه درگذشت و در قبرستان واقع در ضلع شرقی دروازه سویوق بلاغ به خاك سپرده شد و هم اکنون این قبرستان به «آغا قبری» معروف است و به زیارتگاه عمومی مردم ارومیه تبدیل شده است. وی مردی به تمام معنا متقی و پرهیزگار بود. او در ایام حیات خویش میلیاردها ریال وجوه شرعیه را صرف امور عمومی و عام المنفعه کرد ولی در حین مرگ چیزی از خود به جای نگذاشته است وی در طی اقامت خود در ارومیه کتب متعددی در فقه و اصول و اخبار و احادیث تألیف و منتشر کرد و شاید از لحاظ کثرت تألیفات (۸۲ جلد کتاب) در میان علمای نیم قرن أخیر در درجهٔ اول باشد.

ص: ۹

این عالم ربانی از بنیانگذاران هلال احمر ارومیه می باشد، البته خدمات دیگری از قبیل ساختن بیمارستان و پل و دانشگاه داشتند.

و با حضور این روحانی عظیم الشان خیرات و مبرات کثیری به مردم ارومیه رسیده است.

امروزه هزاران نفر، از جای جای جهان برای زیارت و درخواست حاجت از خدا در جوار جسم پاک و مدفون آن شخصیت کم نظیر به مرقد ایشان آمده و کمتر کسی هست که در این عبادتگاه کوچک، رفت و آمد کرده و حاجت از خداوند بزرگ نگرفته باشد. این یک ادعا نبوده و مردم شهر ارومیه اغلب گواه این گفته ها هستند.

مهمترین آثارمرحوم آیت اله عرب باغی به شرح زیر است:

آثار او که در تبریز به صورت سنگی چاپ شده است: – مناهج امیرالمؤمنین(در این کتاب در تأویل آیات وارده در شأن و فضیلت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین به استناد از احادیث عامه و تشیع، فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی و بیان نموده است)؛ التبیان فی معانی القرآن؛ الایقان (در اوامر و نواهی)؛ طریق یقین در لزوم دین؛ طریقهٔ غرا در معجزهٔ انبیا و اوصیا؛ رسالهٔ حقوق الاسلام؛ دُرَّهُ البیضا با اثنا عشریه و دره العزیه؛ احکام الاسلام؛ تحفه الاخیار فی قرا ات الائمه علیه السلام ؛ سیاسه الاسلام فی جواب الاخوان؛ تحفه الشیعه فی رجعه الائمه:؛ اربعین در اربعین؛ تبصره المومنین؛ سیف فضائل فی رد القاصر الجاهل؛ مسالک العشریه؛ دعائم الاسلام؛ دلایل قرآنی در رد مقاله همدانی؛ ارکان اسلام؛ دلیل واقعی در جواب وهابی؛ اساس ایمان در وجوب حجاب زنان؛ اصل الاسلام؛ تحفه المهدیه فی احوال الحجه عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۱۰

(تجدید چاپ ۱۳۵۸ انتشـارات حقیری ارومیه). از سـایر تألیفات این عالم فرزانه می توان به کتابهای زیر اشاره کرد: مناهـج الاکرام، مسائل النجفیه، طریق الحق، معاش الاسلام، اساس

الاسلام، تحفه الاخوان و زبدهالبیان.

اساتید و مشایخی که اجازه مرجع بودن این بزرگوار را اعلام نمودند:

-حضرت آیه الله مرحوم سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب عروه الوثقی.

-حضرت آیه الله مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول.

-حضرت آیه الله مرحوم آقا سید محسن کوه کمره ای.

-دانشمند فقید حضرت حجه الاسلام تُرشیزی.

-آیه الله شریعت اصفهانی.

-آیه الله آقای میرزا محمد علی نخجوانی.

-و حضرت آیه الله آقای میر سید علی داماد رضوان الله علیه.

ص: ۱۱

پیش گفتار

حدوداً صد سال پیش شخصی سعی می کند با شفاعت خواهی و تمسک به قرآن مجید، برای انجیل و تورات موجود آبرو خریداری کرده و حتی مردم را به تبعیت از آنها ملزم نماید اما با توجه به آیهٔ شریفهٔ ذیل:

{فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَیْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْداً لا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِمَّا کَسَبُوا وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ}(۱)

«پس مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارائیست که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان نیز از آنچه بدست آورده اند، بهره ای نمی برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند»

با کوشش و مجاهدت دانشمندان اسلام، من جمله حضرت آیه الله عرب باغی مقاله ای در رد تلاشهای وی آماده شد.

جالب است؛ میرزای همدانی می خواست تورات و انجیل را عزت دهد به وسیلهٔ قرآن و بعد قرآنی که به انجیل و تورات عزت داده را کنار زده، کتاب گمراهی بخواند و کتب انجیل و تورات را کتب هدایت قلمداد نموده و مردم را به متابعت از آن فرا بخواند.

متن کتاب با ادبیات همان زمان به رشتهٔ تحریر درآمد که برای امروز کمی نامانوس بوده و چاپ سنگی آن نیز دارای مشکلاتی بود که مصحح کتاب بر آن شد تا با تلطیف متن و افزودن تحقیقاتی، آنرا با سیاق جدید به

۱- سورهٔ مبارکهٔ بقره آیهٔ شریفهٔ ۲۶۴.

ص: ۱۲

حق جویـان ارائه نمایـد تا بازگوی تحریفات و مشـکلات آن کتب [تورات و انجیل] گشـته، راهنمائی ایشان به کتاب آسـمانی قرآن نماید.

بخشـهائی از جمله بعضـی تحریفـاتی که صورت گرفته، یـا دلاـئلی برای رد انجیـل و تورات از تحقیقـات مصـحح است که خـدمت خواننـدگان محترم ارائه می شود. باشد که دأب و روش ما بر این اسـتوار شود که قبل از پذیرفتن هر کلامی، در مورد آن کلام فکر نموده و آنرا با حق مطابقت دهیم.

{فَبَشِّرْ عِبادِ * الَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذینَ هَداهُمُ اللَّهُ وَ أُولئِکَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ}(۱)

«پس بشارت ده به بندگان * آنانی که به سـخن گوش فرا می دهند و بهترین آنرا پیروی می کنند؛ اینانند که خدا هدایتشان نموده و آنها همان خردمندان هستند»

پس به حکم قرآن که فرموده:

{إِنَّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ إِمَّا شاکِراً وَ إِمَّا کَفُوراً}(۲)

«ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار»

راه آشـکار است. خواه فرد پند گیرد و عمل نماید و خواه ملال و دوری. پس اگر کسـی راه حق را بگزیند به خود منفعت رسانده و اگر از حق منحرف شود، خیر را از خود منع نموده است:

{إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها}(۳)

۱- سورهٔ مبارکهٔ زمر آیات شریفهٔ ۱۷ و ۱۸

۲- سورهٔ مبارکهٔ انسان آیهٔ شریفهٔ ۳

۳- سورهٔ مبارکهٔ اسراء آیهٔ شریفهٔ ۷

ص: ۱۳

« اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده اید]»

{وَ السَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدی}(۱)

«و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد»

۱- سورهٔ مبارکهٔ طه آیهٔ شریفهٔ ۴۷

ص: ۱۴

خلاصهٔ کتاب

در روزگاران نه چنـدان دور شخصـی به نام میرزا اسـماعیل، ناظم مـدرسه ای در همـدان مقاله ای نوشت در وصف کتاب تورات و انجیـل موجـود در بین مسـیحیان، و آن کتب را بر حـق معرفی کرده و مردم را سـوق به این کتابهـا می داد تـا اینکه یکی از مردان و مجاهدان حوزه برخواست و با دلایل محکم پاسخهای خوبی به آقای همدانی داد. جوابهایی همچون اینکه اگر فرض کنیم که اصلا تورات و انجیـل تحریف نشـده است بـاز می گوییم حضـرت موسـی و حضـرت عیسـی کلامشان و اطاعتشان فقط و فقط برای مردم زمان خودشان بوده است کما اینکه قرآن اشاره می فرماید:

{وَ ءَاتَيْنَا مُوسىَ الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنىِ إِسْرَ ءِيل} (۱)

«و کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم»

و مؤلف محترم به چند مورد از این دسته آیات اشاره می فرماید و در ادامه مصنف کتاب اثبات می کند که نبوت پیامبر عظیم الشان اسلام بر خلاف انبیاء سلف، برای تمام بشر می باشد و برای ادعای خود از قرآن مجید دلائل ذیل را می آورد.

{قُلْ يَأَيهَُّا النَّاسُ إِنىّ‌ِ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا}(۲)

«بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم»

۱- سورهٔ مبارکهٔ اسراء آیهٔ شریفهٔ ۲

۲- سورهٔ مبارکهٔ اعراف آیهٔ شریفهٔ ۱۵۸

ص: ۱۵

{تَبارَکَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعَلَمِینَ نَذِیرًا}(۱)

«بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [=کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد»

و بعد مؤلف در جواب آقای همدانی به نکته ای می پردازد که آیا انجیل و تورات هدایت کننده برای هر زمان است؟

زیرا آقای همدانی برای اینکه ثابت نماید تورات و انجیل هدایت کننده است برای هر زمان، استدلال می کند به این آیه شریفه:

{نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجِیلَ * مِن قَبْلُ هُدًی لِّلنَّاسِ}(۲)

و در جواب، آیه الله عرب باغی می فرماید بله قبول داریم که تورات و انجیل برای هدایت مردم است ولی مردم کدام زمان؟همهٔ زمانها؟

خیر تورات و انجیل و حضرت موسی و عیسی هادی هستند برای مردم زمان خودشان؛ حال خوبست به این نکته توجه شود پس اگر قرار باشد بگوییم که تورات و انجیل برای زمانهایی غیر از زمان خودش می باشد پس زبور داود و صحف آدم هم هادی است ولیکن می بینیم کسی قائل به این مطلب نشده است.

در صفحات دیگر مؤلف به این مطلب می پردازد که تورات و انجیل تحریف شده و برای اثبات مباحثش از چند آیه استفاده می کند. نویسندهٔ

۱- سورهٔ مبارکهٔ فرقان آیهٔ شریفهٔ ۱

۲- سورهٔ مبارکهٔ آل عمران آیهٔ شریفهٔ ۳

ص: ۱۶

کتاب در ادامه به تحریف تورات به چند دلیل دیگر اشاره می فرماید مثل اینکه یکی از انگیزه های تحریف را زراندوزی و جمع آوری ثروت می داند و تحریف تورات و انجیل را بدلایل عقلی اثبات می کند و بعد می فرماید: "اگر بگوییم تورات و انجیل از جانب خداست، پس چرا اینقدر در بینشان تباین وجود دارد؟"و البته به براهین دیگری اشاره دارد که در خلاصهٔ کتاب به آنها بصورت اختصار اشاره نمودیم. بعنوان مثال نبودن کاغذ یا نسبتهای ناروا در کتاب مقدس مثل تولید شراب توسط حضرت عیسی. در پایان مولف از همدانی می پرسد که انگیزهٔ علمای یهود و نصاری از شما کمتر است بر اینکه این آیات را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات خودشان احتجاج کنند؟

ص: ۱۷

فصل اول: مختصر دربارهٔ تورات و انجیل

اشاره

ص: ۱۸

بسم الله الرّحمن الرّحیم و به نستعین

از آنجائیکه میرزا اسماعیل ناظم مدرسهٔ آمریکایی همدان مقاله نوشته و به خیال خود خواسته تورات و انجیل موجوده در دست یهود و نصاری را از کتب مقدسه خوانده و آنها را ترویج نماید و مردمان این زمان را بر آنها ترقیب کند و چند آیه از قرآن مجید شاهد آورده(۱) به گمان خودش که آنها تحریف و تغییر و تبدیل نشده و مقصودش از ذکر اینها اینست که مردمان را به تمسک به کتابهایی که فعلا در دست یهود و نصاری می باشد وادار نماید. یعنی هر کتابی که به اسم تورات و انجیل بدون اینکه معلوم شود که ترجمه کیست و بدون تحقیق از مؤلف آن کتابها و ترجمه کنندهٔ آنها که کرّات عدیده و دفعات متعدده به السنهٔ مختلفه ترجمه و تفسیر نموده اند و بدون علم به عدالت و دیانت و امانت و راستگویی مؤلفین و مترجمین آنها، از آن کتب تبعیت کنند. این است خیال و گمان صاحب مقاله. (۲)

۱- منظور مولف محترم اینست که در اثبات کتاب مقدس مسیحیان از قرآن مجید آیه آورده است.

۲- طبق گفته مولف محترم کتاب نویسنده تورات وانجیل معلوم نیست. وصدق این مطلب را باید در کلمات دانشمندان بزرگ مسیحی جستجو کرد توماس میشل که از دانشمندان مسیحی است، در همین زمینه می نویسد•: تورات پنج قرن قبل از میلاد و به دست نویسنده ای ناشناس نوشته شده اما به هر حال این عمل با الهام الهی بوده است. (کلام مسیحی/ توماس میشل/ص۳۲) رابرت ای وان وورست می گوید•: شکل گیری کتابهای عهد عتیق در پذیرش رسمی آنها بعنوان کتاب مقدس، تاریخی طولانی دارد. نگارش عهد عتیق حدود ۱۱۰۰ ق.م پس از ورود بنی اسرائیل به فلسطین شروع شد و سرود موسی و مریم (خروج ۱۵) نگارش یافت اما تورات شاید تا سال ۴۰۰ ق.م همانگونه که کاهنان اورشلیم آن را تکمیل و ویرایش کردند به شکل کنونی درآمد. کار و ویرایش برخی از کتابها مانند اشعیا ۲۴-۲۷ و حزقیال ۳۸ و نیز دانیال در سال ۱۶۰ ق.م به انجام رسید و بخش مکتوبات اساساً حدود سال ۱۰۰ قبل از میلاد گرد آمد اما وضعیت برخی از کتابها مثل استر و غزلِ غزلها بعداً مورد مناقشه قرار گرفت.

ص: ۱۹

نبوت حضرت موسی و عیسی۸ منحصر به بنی اسرائیل

پس احقر در جواب او معروض می دارد: اولاـ بـا فرض اینکه تورات و انجیـل تحریف نشـده باشـد می گوییم حضـرت موسـی علیه السـلام و حضـرت عیسی علیه السلام فقط و فقط از برای بنی اسرائیل پیغمبر بودند (۱) نه بر جمیع مردمان کرهٔ ارض و خـدای متعال این مطلب را در قرآن مجید در سورهٔ بنی اسرائیل تصریح می فرماید:

{وَ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ وَ جَعَلْناهُ هُدیً لِبَنِی إِسْرائیل}(۲)

و در سورهٔ سجده فرموده:

{ وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَلا تَکُنْ فی مِرْیَهٍ مِنْ لِقائِهِ وَ جَعَلْناهُ

۱- کتاب مقدس تایید می کند عبارت مصـنف را مبنی بر اینکه حضـرت عیسـی فرسـتاده شده برای امت خود می باشد نه برای تمام امم و ملتها. برای روشن شدن صدق این گفته به دو نمونه از کتاب مقدس بسـنده می نماییم•: او در جواب گفت، فرسـتاده نشده ام مگر بجهت گوسـفندان گم شده خاندان اسرائیل. (انجیل متی فصل ۱۵ آیه ۲۴) به گفته کتاب مقدس خود حضـرت عیسی تصریح دارد به اینکه فرسـتاده شده برای بنی اسـرائیل نه تمام امتها که اگر اینگونه بود باید می فرمود که من فرسـتاده شدم برای تمام ملتها و امتهـا وکشورها• در انجیل مرقس آمـده است که زنی یونانی برای گرفتن شـفای دختر خویش (که روح پلیـد داشت)پیش حضـرت مسـیح آمدعیسـی چنین گفت: "بگذار اول فرزندان (بنی اسـرائیل) سیر شوند زیرا نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن نیکو نیست!" (مرقس ۷ : ۲۷)

۲- سورهٔ مبارکهٔ اسراء آیهٔ شریفهٔ ۲

ص: ۲۰

هُدیً لِبَنی إِسْرائیل}

«ما به حضرت موسی کتاب اعطا کردیم و او را از برای بنی اسرائیل هدایت کننده قرار دادیم»

و در خصوص حضرت عیسی علیه السلام در سورهٔ آل عمران می فرماید:

{وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجیلَ * وَ رَسُولاً إِلی بَنی إِسْرائیل}(۱)

و در سوره صف فرموده:

{وَ إِذْ قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یا بَنی إِسْرائیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُم}(۲)

مضمون این دو آیه دال بر آنست که آن حضرت فقط برای بنی اسرائیل پیغمبر است چنانچه دو آیهٔ سابق، پیغمبر بودن حضرت موسی علیه السلام را فقط برای بنی اسرائیل تصریح می نماید، پس اگر میرزا اسماعیل همدانی بر قرآن مجید اعتقاد دارد و به آیات قرآن، بر حق بودن تورات و انجیل موجوده در دست یهود و نصاری دلیل می آورد، پس مفاد این چهار آیهٔ شریفه دلالت دارد بر پیغمبر بودن ایشان بر بنی اسرائیل و هدایت تورات و انجیل فعلی یهود و نصاری منحصر است به بنی اسرائیل نه بر سایر مردمان و بلکه یهودی و نصاری شدن غیر از بنی اسرائیل و تمسک نمودن اهالی سایر طوایف و ملل روی زمین که از بنی اسرائیل نیستند بر تورات و انجیل صحیح نیست تا چه رسد به تورات و انجیلهای فعلی و حاضره.

۱- سورهٔ مبارکهٔ آل عمران آیات شریفهٔ ۴۸ و ۴۹

۲- سورهٔ مبارکهٔ صف آیهٔ شریفهٔ ۶

ص: ۲۱

نبوت حضرت رسول اکرم۹ برای کافهٔ بشر

به علت اینکه در ایام سلف از هر طایفه را یک نفر پیغمبری بوده، پیغمبر یک طایفه بر طایفهٔ دیگر ربطی نداشت و اما نوبت و رسالت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم پس با صریح قرآن مجید بر تمام مردمان است، چنانکه در سورهٔ اعراف فرموده:

{قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ جَمیعاً}(۱)

و در سورهٔ فرقان آمده است:

{تَبارَکَ الَّذی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعالَمینَ نَذیراً}(۲)

و در سورهٔ سبا می فرماید:

{وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ کَافَّةً لِلنَّاسِ بَشیراً وَ نَذیراً}(۳)

و در سوره احزاب:

{وَ لکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خاتَمَ النَّبِیِّینَ}(۴)

و در سورهٔ توبه و فتح و صف:

{هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ}(۵)

۱- سورهٔ مبارکهٔ اعراف آیهٔ شریفهٔ ۱۵۸

۲- سورهٔ مبارکهٔ فرقان آیهٔ شریفهٔ ۱

۳- سورهٔ مبارکهٔ سبا آیهٔ شریفهٔ ۲۸

۴- سورهٔ مبارکهٔ احزاب آیهٔ شریفهٔ ۴۰

۵- سورهٔ مبارکهٔ توبه آیهٔ شریفهٔ ۳۳ سورهٔ مبارکهٔ فتح آیهٔ شریفهٔ ۲۸ سورهٔ مبارکهٔ صف آیهٔ شریفهٔ ۹

ص: ۲۲

و مضمون این آیات شریفه این است که آن حضرت بر جمیع مردمان پیغمبر است و نبوت و رسالت در او ختم شده و دین حق آن حضرت بر تمام ادیان حق ناسخ و بر جمیع ادیان باطله غالب است و این مفاد آیات سُوَر توبه، فتح و صف است پس بنا بر اعتقاد میرزا اسماعیل که قرآن شریف را مدرک قرار می دهد نبوت حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام منحصر شد بخصوص بنی اسرائیل و اولاد حضرت یعقوب تا زمان آمدن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ؛ و نبوت و رسالت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم شامل گردید به جمیع مردمان دنیا تا به روز قیامت و حشر و نشر مردمان.

هادی بودن انجیل و تورات

و ایضاً در جواب می گویم که میرزا اسماعیل این آیه را در سورهٔ آل عمران با خیال خود شاهد آورده:

{نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدىً لِلنَّاسِ}(۱)

بر هدایت بودن تورات و انجیل از برای مردمان که معنای "هدی للناس" باشد. از واضحات است که این یک آیه است و معنای آیه این است که خداوند تعالی قرآن را با درستی و راستی و حقانیت بر آن حضرت نازل کرده در حالیکه قرآن تصدیق می کند پیغمبران گذشته را و نازل فرموده تورات و انجیل را در زمان سابق برای هدایت مردمان آن زمان چنانکه قرآن را با حقانیت از برای هدایت مردمان این زمان نازل فرموده و ترجمهٔ آیهٔ مذکور

۱- سورهٔ مبارکهٔ آل عمران آیات شریفهٔ ۳ و ۴

ص: ۲۳

بلاشک و بدون شبهه از احدی از اهل لسان عرب همین است.

پس چنانکه تورات و انجیل را در این آیه هدایت مردمان زمان سابق قرار داده و همچنین قرآن را با حقانیت نازل کرده و در صورتیکه قرآن در این زمان حق و درست و راست باشد چنانکه اول آیه با صراحت می گوید؛ پس هادی بودن تورات و انجیل برای مردمان در زمان سابق چه فایده بر این زمان دارد؟!

و ایضاً اعتقاد ما اسلامیان این است آن دو کتاب در زمان آن دو پیغمبر بزرگوار سبب هدایت مردمان بوده اند و بلکه جمیع کتب انبیاء: هر یکی در زمان خود اسباب هدایت بوده و اختصاص به حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام ندارد و کتاب و صحف آدم علیه السلام و شیث علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و غیر از ایشان هر یکی از برای هدایت مردمان آن زمان بوده است. مثل تورات و انجیل، حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام در آن زمان هادی بوده و منافاتی با هادی بودن قرآن در این زمان ندارد، چنانچه هادی بودن آدم و صحف او و یا شیث و نوح و ابراهیم در سابق منافاتی با هادی بودن تورات و انجیل در زمان خودشان نداشت و ما اسلامیان با تصریح قرآن، جمیع انبیاء سلف و کتب ایشان را در زمان خود آنها هادی دانسته و می دانیم و این ابدا منافاتی با هادی بودن قرآن ندارد و هر یکی بعد دیگری ناسخ بوده و همچنان تورات و انجیل ناسخ کتب و شرایع سابقه بوده است پس آیهٔ مزبور ابداً فایده بر اعتقاد و فکر آقا میرزا اسماعیل ندارد و بلکه دلالت این آیه بطور وضوح بر حقانیت احکام قرآن بعد از تورات و انجیل می نماید.

تورات و انجیل نه هر کتابی

و ثانیا احقر می گوید که تورات و انجیلی که به حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام نازل شده و آنها را حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام کلام خداوند دانسته و بطریق وحی و از جانب خدا به ایشان نازل گردیده، البته آنها بجهت هدایت آن زمان بوده است نه اینکه هر کتابی که به اسم تورات و انجیل بعد از حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام جمع و تألیف شده باشد.(۱) ما اسلامیان اقرار داریم بر اینکه آنچه به حضرت آدم و سایر پیغمبران نازل شده و با وحی و الهام از خداوند به ایشان رسیده برای هدایت امت ایشان است تا با ظهور و آمدن پیغمبری بعد از دیگری نه بر هر کتابی که بعد از آن پیغمبر به اسم صحف آدم یا شیث و یا نوح و یا ابراهیم و یا به نام زبور و تورات و انجیل از بعضی علماء آنها نوشته اند، پس آن زبور و تورات و انجیل که بر آن پیغمبران از طرف خداوند نازل شده و کلام خداست همهٔ آنها سبب هدایت مردمان و نور و موعظه و دین حق آن زمان است تا با آمدن پیغمبری بعد از او.

قرآن مجید همین را تصدیق می کند نه هر کتاب را که بعد از آن پیغمبران امت ایشان از خودشان و به خیال خود و با رأی خود نوشته اند زیرا که اینها از طرف خداوند نازل نشده و بر پیغمبران وحی نگردیده است.

۱- «الْکِتابُ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدی لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِیسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ کَثِیراً..» (سورهٔ مبارکهٔ انعام آیهٔ شریفهٔ ۹۱) البته پر واضح است این ایات بیشتر ناظر به تورات و انجیل اصلی و همان نسخه ای ای که به موسی نازل شده است «الْکِتابُ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی» میباشد.

ص: ۲۵

تحریف تورات و انجیل

و ثالثا احقر می گویـد که آیات قرآن تحریف و تبـدیل و تغییر این تورات و انجیل که در دست یهود و نصاری فعلا موجود است را تصریح فرموده چنانکه در سوره نساء می فرماید:

{مِنَ الَّذینَ هادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ یَقُولُونَ سَمِعْنا وَ عَصَیْنا}(۱)

«جمعی از یهودیان تحریف می کننـد کلمات تورات را از محل آنها و چیزی دیگر در جای آنها می گذارنـد و می گوینـد بر پیغمبر که ما شنیدیم فرمایشات تو را و عصیان نمودیم و اطاعت نکردیم»

و در سورهٔ مائده می فرماید:

{ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ میثاقَ بَنی إِسْرائیلَ ..* فَبِما نَقْضِهِمْ میثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنا قُلُوبَهُمْ قاسِیَةً یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ وَ لا تَزالُ تَطَّلِعُ عَلی خائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلیلًا مِنْهُمْ }(۲)

«هر آینه خداونـد اخـذ فرمود عهـد و پیمـان را از بنی اسـرائیل پس از جهت نقض کردن آنهـا عهـد خودشـان را، آنهـا را از رحمت خودمان دور کردیم و قلب آنها را باقساوت نمودیم که بر همدیگر رحم نکنند و یکدیگر را بکشند و آنها تحریف می کنند کلمات خداوند را در تورات و انجیل از محلش و نسیان و ترک کردن اشیاء زیاد را از آنچه به آنها گفته شده و تو ای پیغمبرِ

۱- سورهٔ مبارکهٔ نساء آیهٔ شریفهٔ ۴۶

۲- سورهٔ مبارکهٔ مائده آیات شریفهٔ ۱۲ و ۱۳

ص: ۲۶

ما اغلب اوقات مطلع می شوی بر خیانت کردن آنها بر آیات تورات و انجیل و بر احکام خداوند مگر جماعت اندکی از آنها که خیانت نمی کنند»

و ایضاً در سورهٔ مائده فرموده:

{یا أَهْلَ الْکِتابِ قَدْ جاءَکُمْ رَسُولُنا یُبَیِّنُ لَکُمْ کَثیراً مِمَّا کُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْکِتابِ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ}(۱)

«ای اهل تورات و انجیل هر آینه آمدن آن پیغمبر موعود ما که به شما وعده داده بودیم با زبان حضرت عیسی آمدن او را..»(۲)

چنانکه در سورهٔ صف فرموده:

{وَ إِذْ قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یا بَنی إِسْرائیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ}(۳)

پس همان پیغمبر آمد و از برای شماها بیان می فرماید چیزهائیکه شماها آنها را از کتاب خودتان مخفی و مستور نموده و برای مردمان اظهار نمیدارید. ایضاً در سورهٔ مائده:

{وَ مِنَ الَّذینَ هادُوا سَمَّاعُونَ لِلْکَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرینَ لَمْ یَأْتُوکَ

۱- سورهٔ مبارکهٔ مائده آیهٔ شریفهٔ ۱۵

۲- در تکمیل فرمایش مولف کتاب به این نکته اشاره می کنیم که تحریف انواعی دارد. یک نوع از آن تحریف به حذف می باشد یعنی تحریف کننده مطلبی را تغییر نمی دهد بلکه حذف می کند این آیه ای که مولف محترم استناد کرده به این نکته اشاره دارد که تحریف به حذف شده است.

۳- سورهٔ مبارکهٔ صف آیهٔ شریفهٔ ۶

ص: ۲۷

یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ}(۱)

یعنی جمعی از یهود بر سخنان دروغ و کذب محض گوش می دهند بر آن اکاذیب ترتیب اثر می دهند و گوش می دهند بر سخنان از جمع دیگر از یهودیانی که به حضور تو از جهت تکبر و تجبر حاضر نمی شوند و کلمات تورات را بعد از وضع آن کلمات از موضع خود بر محل دیگر تحریف می کنند و در سورهٔ بقره می فرماید:

{وَ قَدْ کانَ فَریقٌ مِنْهُمْ یَسْمَعُونَ کَلامَ اللَّهِ ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ}(۲)

«فرقه ای از یهود بودند که کلام خداوند را می شنیدند و سپس آنرا تحریف می کردند و تحریف آنها بعد از آن بود که تعقل می کردند و می دانستند و با وجود فهمیدن و دانستن، کلمات خداوند را تحریف و تغییر می دادند»

و ایضاً در سورهٔ بقره:

{فَوَیْلٌ لِلَّذینَ یَکْتُبُونَ الْکِتابَ بِأَیْدیهِمْ ثُمَ یَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِیَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَلیلاً فَوَیْلٌ لَهُمْ مِمَّا کَتَبَتْ أَیْدیهِمْ وَ وَیْلٌ لَهُمْ مِمَّا یَکْسِبُونَ}(۳)

«وای از برای کسانی که با دست خودشان تورات را با تحریف و تغییر می نویسند و بعد از تغییر و تبدیل می گویند این از جانب خداوند می باشد تا اینکه بدین واسطه به اندک پولی بخرند، پس وای بر آنها از آن چیزی که

۱- سورهٔ مبارکهٔ مائده آیهٔ شریفهٔ ۴۱

۲- سورهٔ مبارکهٔ بقره آیهٔ شریفهٔ ۷۵

۳- سورهٔ مبارکهٔ بقره آیهٔ شریفهٔ ۷۹

ص: ۲۸

نوشته است دستهای آنها و وای بر آنها با دست خودشان کسب کردند»(۱)

۱- خوب است در ادامه وتکمیل فرمایشات مولف محترم کتاب به این دو آیه: آیه اول : {فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَـٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ} (سوره بقره آیه مبارکه ۷۹) آیه دوم: {وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَ مَا هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ} که از مهمترین آیاتی است که تحریف کتاب مقدس را اثبات مینماید اینگونه استدلال شود: قبل از اینکه وارد بحث شویم لازم است این سوال مطرح شود آیا کلمهٔ "الکتاب" که در این دو آیه ذکر شده است منظور تورات و انجیل می باشد یا کتاب دیگری که علمای یهود نوشتند و نسبت دادند به خداوند؟ برای روشن شدن جواب از دو راه استفاده می کنیم: قرائن لفظی: در ادبیات عرب چند نوع الف ولام داریم: ۱-ال=تعریف ۲-ال=عهد ذهنی ۳-ال=عهد ذکری ۴-ال=عهد حضوری با دقت در کتب نحویین خواهیم یافت برای هر چیزی اصلی است و اصل در "ال" تعریف است که به جهت اختصار در این جا به کلمات نحویین نمی پردازیم. باتوجه به مطلب بالا اگر "ال" در "الکتاب" را، الف و لام تعریف بدانیم به این نتیجه می رسیم با توجه به اینکه تعریف و معرفه شناخت طرفینی است "الکتاب" را همهٔ مردم چه مسلمانانی که در زمان نزول آیه می زیستند می شناختند و هم مردمی که در زمان قبل مسلمانان بودند میشناختند یعنی "الکتاب" بین گوینده که خداوند باشد و شنونده که مردم باشند شناخته شده بوده وگرنه "ال" تعریف معنی ندارد که در این دو آیه آمده است. ممکن است شخصی بگوید "ال" عهد ذهنی باشد باز هم دلالت بر تورات و انجیل می کند یعنی در ذهن همگان به روشنی معهود و مشخص بوده است که خداوند اشاره می کند آن کتاب یعنی آن کتابی که همه می شناسید. آیا کتابی که همه می شناختند تورات بوده یا یک کتابی که علمای یهود نوشتند و نسبت به خدا دادند که اصلا معلوم نیست کدام کتاب منظور است !!! و شاید کسی بگوید منظور از "ال" عهد ذکری است که در این صورت باز دلالت بر تورات و انجیل می شود چون منظور از عهد ذکری یعنی چیزی در جملات قبل ذکر شده باشد و الان این "ال" به آن اشاره می کند آیا در مورد "الکتاب" هم همینگونه است؟ جواب اینست: آری. قبل از اینکه شواهد آورده شود باید نظر خوانندگان محترم را به این مطلب جلب کنیم که از نظر اسلام، ترتیب نزول آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ترتیب بوده یعنی زمان آن فرق می کرده. بعضی سُوَر، مکی و بعضی مدنی اند که زمان سور مکی مقدم بر سور مدنی است و زمان نزول سور مکی زودتر از سور مدنی است. مثلاً سورهٔ هود مکی و ترتیبش (۵۲) است و سورهٔ احقاف مکی و ترتیبش(۶۶) می باشد ولی سوره بقره مدنی و ترتیبش(۸۷) است. با توجه به مقدمه بالا می بینیم اولاً در دو سورهٔ هود و احقاف این آیات ذکر شده است. اول:{أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَ رَحْمَةً أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَكُ فی مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يُؤْمِنُونَ} (۱۷)هود دوم: {وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَ رَحْمَةً وَ هذا كِتابٌ مُصَدِّقٌ لِساناً عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرى لِلْمُحْسِنينَ} (۱۲) احقاف بعد از این دو آیه الکتاب در سوره بقره که ترتیبش بعد از دو سورهٔ فوق می باشد ذکر شده که تعریف "ال" عهد ذکری هم این است اشاره به چیزی که قبلاً ذکر شده دارد پس بادقت می یابیم که "ال" عهد ذکری در "الکتاب" اشاره به کتاب موسی دارد. واگر مُسْتَشْكِلْ [یعنی اشکال کننده] بگوید عهد حضوری است باز هم "الکتاب" دلالت بر تورات می کند چون معنی عهد حضوری این است به عنوان مثال کتابی نزد گوینده و شنونده حاضر است و در عرب اگر بخواهند همچین کتابی را نام ببرند می گویند الکتاب یعنی همین کتاب حاضر که کتاب حاضر در زمان نزول آیه چه بوده است آیا غیر از تورات بوده است. قرائن معنوی: در این قسمت به سه

دلیل اشاره می نماییم: دلیل اول: در قرآن کریم خداونـد هر وقت از کتاب یاد کرده است اشاره به کتابی داشـته که از سوی خود بر پیامبرانش نازل شـده است. به عنوان شاهـد مثال چند نمونه می آوریم: {وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} {الر كِتـابٌ أَنْزَلْنـاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمـاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلى صِراطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيـدِ} {طس تِلْـكَ آياتُ الْقُرْآنِ وَ كِتـابٍ مُبِينٍ} {قالَتْ يا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتابٌ كَرِيمٌ} {كِتابٌ فُصِّلَتْ آياتُهُ قُرْآناً عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ} {وَ لَمَّا جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ كِتابَ اللَّهِ وَراءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لا يَعْلَمُونَ} {فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شاهِـدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسـى إِماماً وَ رَحْمَةً أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يُؤْمِنُونَ} {وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَـى الْكِتابَ وَ قَفَّيْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنا عِيسَـى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّناتِ وَ أَيَّدْنـاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَكُلَّمـا جـاءَكُمْ رَسُولٌ بِمـا لا تَهْوى أَنْفُسُـكُمُ اسْـتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ} پس نتیجه می گیریم منظور از "الکتاب" در دو آیـهٔ صـدر کلام، تورات و انجیل می باشـد. دلیل دوم : از آیات قبل و بعد آیه ۷۹ می فهمیم که منظور از "الکتاب" همان کتاب تورات می باشـد. در چنـد آیه قبل می فرمایـد: {وَ إِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلا بَعْضُـهُمْ إِلى بَعْضٍ قالُوا أَ تُحَـدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ} (۷۶) {أَ وَ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ} (۷۷) {وَ مِنهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ} (۷۸) در چند آیه بعد می فرماید : {وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ وَ قَفَّيْنا مِنْ بَعْـدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنا عِيسَـى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّناتِ وَ أَيَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُـكُمُ اسْـتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ} (۸۷) {وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنـدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُواْ مِن قَبْلُ يَسْـتَفْتِحُونَ عَلىَ الَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلىَ الْكَفِرِين} و هنگامی که با مؤمنان دیـدار کننـد، می گوینـد: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می کننـد [از روی اعتراض و ایراد] به یکـدیگر می گوینـد: چرا حقایقی را که خدا [در تورات درباره پیامبر اسـلام] برای شما بیان کرده به مؤمنان می گویید تا [روز قیامت با این حقایق] در پیشـگاه پروردگارتان بر ضد شـما استدلال کنند؟ آیا تعقّل نمی کنیـد [که نبایـد زمینـهٔ اسـتدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید؟!] (۷۶) آیا [آن سـخت دلان] نمی داننـد که خـدا آنچه را پنهان می دارنـد و آنچه را آشـکار می کنند، می داند؟! (۷۷) و گروهی از یهود، بی سوادانی هسـتند که کتاب [آسـمانی تورات] را جز بـافته های دروغی [که عالمان خائن یهود به عنوان تورات ارائه کرده انـد] نمی داننـد، و [در امر دین] فقط پیرو گمان و پنـدارند [نه تحقیق و علم]. (۷۸) با دقت نظر در معنی آیاتی که در قبل از آیهٔ ۷۹ ذکر شده، صحبت از ایمان آوردن و اعتراض کردن و علم به کتاب نداشـتن است. ایمان آوردن به چه چیز؟ اعتراض به چه چیز؟ علم نداشـتن به چه چیز؟ با تتبع در تاریخ دیده ایم که همواره مردم نسبت به ایمـان به پیـامبران، راه و کتـاب ایشان اعتراض داشـتند. وقتی اینگونه است، پس در آیات قبل، صـحبت از تورات در میان است. اما در آیات بعد آیه ۷۹ به صراحت از کتاب موسی سخن به میان آورده می شود. آیا می توان پذیرفت بین این دو دسته از آیات، مراد از آیـهٔ ۷۹ غیر از تورات می باشـد؟ آیا یک انسان دانشـمند در میان کلامش از چیز دیگر سـخن می گوید؟ قطعا می گوییـد خیر حال چه رسـد به خداونـد حکیم و فرزانه! دلیل سوم: در آیـهٔ دیگری از قرآن کریم خداوند می فرماید: {الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ إِنَّ فَرِيقاً مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ} «عده ای خوب تورات را می شناسند مثل شناخت به فرزندشان احاطه دارند به تورات ولکن حق را کتمان می کنند» این آیه ضمن اینکه با آوردن "الکتاب" دلالت بر تورات می کند می فرماید عده ای، حق را که همان کلمات آسـمانی باشد، کتمان می کنند که این آیه دقیقاً دو آیه ای را که در صدر کلام آورده شده است، تایید می نماید. دلیل چهارم: مسـلمانان تفسـیر آیات قرآن را با روایات اهل البیت: قبول دارند و اصلا باید تفسیر قرآن را از طریق اهل البیت: به دست آورد. در روایات ذیل این آیهٔ شـریفه تصریح به تورات شده است. قَالَ: فَقَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ علیه السلام : فَإِذَا كَانَ هَؤُلَاءِ الْعَوَامُ مِنَ الْيَهُودِ لَا يَعْرِفُونَ الْكِتَابَ إِلَّا بِمَا يَسْمَعُونَهُ مِنْ عُلَمَائِهِمْ- لَا سَبِيلَ لَهُم .. لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِأَيْدِيهِمْ يحرّفون من أحكام التوراه ثُمَّ يَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ و ذلک أنّهم كتبوا صفه زعموا أنه صفه النبی صلی الله علیه و آله و سلم

الخبر(تفسیر صافی ج۱ص۱۴۸) دلیل پنجم:قابل ذکر است که اصولاً یهودیان و مسیحیان کتاب دیگری را کتاب الهی نمی داننـد و چنین ادعایی را برای کتاب دیگری نکرده اند و تا حال ندیده ایم کتابی را غیر از تورات و انجیل نسبت به خداوند بدهند حتی کتب "اپوکریفا" هم با اینکه از سلک تورات و انجیل می باشد قبول نکردند و به رسمیت نشناختند چه برسد به کتب دیگر!! نتیجه گیری: ثابت نمودیم که "الکتاب" در آیات شریفه صدر کلام منظور تورات است و در ادامه قرآن می فرمایـد آنها تغییر دادنـد با دست و زبانشان کلمات تورات را پس به آقای همدانی بایـد بگوییم با جمع این آیات با آیاتی که شما نسبت به تعریف کتاب مقدس در قرآن اشاره کردیـد اینست که قرآن تاییـد می کنـد تورات و انجیل تحریف نشـده را و رَد می کنـد تورات و انجیلی را که تحریف شده.

ص: ۲۹

ص: ۳۰

ص: ۳۱

ص: ۳۲

ص: ۳۳

ص: ۳۴

فصل دوم: تحریف و زر اندوزی

تحریف و زراندوزی علماء یهود و نصاری

پس در این شش آیهٔ شریفه به تحریف و تبدیل کردن اهل تورات و انجیل کتاب خودشان را تصریح می فرماید و علت آن را فروختن دین را به دنیا و کسب مال دنیا ذکر می فرماید و اگر آن کتابها تحریف نمی گشت و در حال اول باقی می ماند بایستی علماء و رؤسای آنها صاحب مال و جاه و دارای ثروت و مکنت نمی شدند و بایستی بر پیغمبر ما هم ایمان می آوردند چنانچه در سورهٔ صف مذکور شد حضرت عیسی علیه السلام خبر داده بود پس جماعت یهود و نصاری علایم و صفات پیغمبر ما را تحریف و تغییر دادند که تا جماعت عوام آنها آن حضرت را نشناسند و بر او ایمان نیاورده در دین خودشان بمانند تا ریاست و ثروت علماء آنها باقی بماند چنانچه علماء یهود علامات نبوت حضرت عیسی علیه السلام را مخفی و مستور نمودند تا اینکه ریاست و ثروت آنها باقی بماند، لهذا تا حال علماء یهود حضرت عیسی علیه السلام را پیغمبر نمی دانند و عوامان خودشان را فریب داده اند و نبوت را در حضرت موسی ختم و تمام کرده اند تا ریاست از دست خودشان بیرون نشود و همچنین چند نفر از علماء نصاری علامات و معجزات نبوت پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم را بر عوام ملت خودشان اظهار نکردند تا اینکه صاحب ریاست و مال شده و ریاست آنها از دست آنها بیرون نشود.

همچنین است احوال سلاطین که با قهر و غلبه و انواع دسایس به ملل ضعیف و دول عاجز مسلط شده و مملکتشان را تصاحب می نمایند اوضاع دنیا از اول به همین ترتیب شده و اکثر اهل دنیا دین فروش و دنیا دوست

ص: ۳۵

بوده انـد و مردمـان دینـدار و تقوی شـعار و خداشـناس در هر زمـان کمتـر بوده و در فرض وجود مقهور و مغلوب ایشـان گشـته اند چنانچه مـذکور شد جمعی از علماء یهود، نبوت حضرت عیسـی علیه السـلام را قبول نکرده و انکار نمودند و هکذا جمعی از علماء نصـاری، نبوت پیغمبر مـا صـلی الله علیه و آله و سـلم را فقط به جهت باقی مانـدن ریاست و ثروت قبول نکرده، علائم و اوصاف آن حضرت را تغییر و تبدیل نمودند.

پس میرزا اسـماعیل که ظـاهراً به قرآن مبین اعتقـاد دارد این آیات را با دقت تمام ملاحظه کنـد که در این شـش آیه، قرآن صـریحاً تحریـف تـورات و انجیـل را بیـان می فرمایـد. پس اگر آیـهٔ شـریفهٔ "هـدی للنـاس" در خصـوص تعریـف تورات و انجیـل از آیـات قرآنیست، همین شـش آیـهٔ مـذکوره نیز در خصوص تحریف و تغییر تورات و انجیل از آیات کلام الله مجید می باشد. هدایت بودن آنها در زمان حضـرت عیسـی و موسـی علیهماالسلام با آن نحوی که از جانب خداوند نازل شده صحیح است و قرآن آن را تصدیق فرموده و همینطور تحریف و تبدیل شدن آنها را بعد از حضـرت موسـی و عیسـی علیهماالسلام تصدیق می فرماید.(۱) و ابداً در بین آیات قرآنی منافاتی ندارد و این مسئله به طوری روشن و ظاهر است که احتیاج به توضیح ندارد.

۱- برای کامـل کردن گفته هـای مولف بزرگوار به این آیـهٔ شـریفه {أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کـانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فیهِ اخْتِلافاً کَثیراً} اگر کتاب مقدس کلام خدا می باشد چرا اینقدر اختلاف و تناقض دارد؟ پس نتیجه می گیریم که اینها کلام خداوند نیست بلکه ساختهٔ ذهن بشر می باشـد آیا به این تحریف نمی گوینـد؟ آقای همـدانی در تاییـد تورات و انجیل از آیات قرآن دلیل آوردند و گفتند آیات قرآن تایید می کند تورات و انجیل را. با توجه به اینکه جواب آقا را مولف داده اند، حقیر نیز استدلال به آیه ای می کنـد که در صـدر کلام آورده شـده؛ نه تنها قرآن تایید نمی کند بلکه تورات و انجیل را رد می کند و آن را دارای اختلاف ومتعارض با خود می داند. تعارضات قران و کتاب مقدس در کتاب مقدس آمده است سلیمان کافر شده و حتی بتخانه ساخته است. سلیمان ...را هفتصد زن بانو و سیصد متعه بود و زنانش دل او را برگردانیدند. ۴ و در وقت پیریِ سـلیمان واقع شد که زنانش دل او را به پیروی خـدایان غریب مایل ساختنـد ... ۵ پس سـلیمان در عقب عشـتورَت خدای صـیدونیان و در عقب مِلکوم رِجسِ عمونیان رفت. ... ۷ آنگـاه سـلیمان در کـوهی که روبروی اورشـلیم است مکـانی بلنـد به جهت کَموش که رِجسِ موآبیـان است و به جهت مولَک رِجسِ بنیعمون بنا کرد. ۸ و همچنین به جهت همـهٔ زنان غریب خود که برای خـدایان خویش بخور می سوزانیدند و قربانیها می گذرانیدنـد عمل نمود. (اول پادشاهان ۱۱: ۳-۸) ولی قرآن مجیـد می فرماید: {وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطینُ عَلی مُلْکِ سُـلَیْمانَ وَ ما کَفَرَ سُـلَیْمانُ وَ لکِنَّ الشَّیاطینَ کَفَرُوا} قرآن می فرماید سـلیمان(العیاذ بالله) کافر نشده است و این شـیاطین هسـتند که کافر شدند این دلالت بر اختلاف دارد در کتاب مقـدس نه تاییـد. کما اینکه آقای همـدانی می گوید زیرا اگر اعتقاد به تایید قرآن از کتاب مقدس باشـیم اشـتباه است چون هیچوقت کتابی که کلماتش وحیانی است نمی آید صحه بر کتاب مخالفش بگذارد. احترام مادر در کتاب مقدس از احترام عیسـی علیه السـلام به مادرش اینگونه یاد می کند وقتی به عیسـی مسیح گفتند مادر و برادرانت بیرون در با تو کار دارند. عیسـی فرمود: "مادر من کیست؟ برادرانم کیستند؟" سپس به شاگردانش اشاره کرد و گفت: اینها هستند مادر و برادران من. هر که از پـدر آسـمانی من اطـاعت کنـد، برادر، خواهر و مـادر من است (متی ۱۲ : ۴۶-۵۰) در جریـان معجزهٔ شـراب، هنگامی که مـادرش از او خـواست که به صـاحب مجلس کمـک کنـد، بـا آهنگی سـرزنش آمیز به او فرمود: "ای زن مرا بـا تو چه کـار است"! (یوحنا ۲ : ۳) ولی در قرآن کریم حضـرت عیسـی دسـتور به احـترام دارد و می دانیم تمـامی انبیـاء اطـاعت محض نسـبت به فرامین خداونـد دارنـد: {قَالَ إِنیّ ِ عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَئنیِ َ الْکِتَابَ وَ جَعَلَنیِ نَبِیًّا * وَ جَعَلَنیِ مُبَارَکا أَیْنَ مَا کُنتُ وَ أَوْصَانیِ بِالصَّلَوهِ وَ الزَّکَوهِ مَا دُمْتُ

حَیًّا * وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يجْعَلْني جَبَّارًا شَقِيًّا} باز می بینیم در این مورد هم قران مخالف کتاب مقدس است و نه موافق صلیب کتاب مقدس می گوید: "او را در آنجا صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان." (انجیل یوحنا فصل ۱۹ آیه ۱۸) اما قرآن می فرماید: {وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسيحَ عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ وَ لكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذينَ اخْتَلَفُوا فيهِ لَفى شَكٍّ مِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اتِّباعَ الظَّنِّ وَ ما قَتَلُوهُ يَقيناً} (۱۵۷) قرآن نه تنها صلیب کتاب مقدس را قبول نمی کند بلکه کشته شدن حضرت عیسی را نفی می کند! گوساله کتاب مقدس می گوید: "و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود، قوم نزد هارون جمع شده، وی را گفتند: برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند، زیرا این مرد، موسی، که ما را از زمین مصر بیرون آورد، نمی دانیم او را چه شده است. هارون بدیشان گفت: گوشواره های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شماست، بیرون کرده، نزد من بیاورید." "پس تمامی قومْ گوشواره های زرین را که در گوشهای ایشان بود بیرون کرده، نزد هارون آوردند. و آنها را از دست ایشان گرفته، آن را با قلم نقش کرد، و از آن گوسالهٔ ریخته شده ساخت، و ایشان گفتند: ای اسرائیل این خدایان تو می باشند، که تو را از زمین مصر بیرون آوردند." (خروج فصل ۳۲ آیه ۱تا۴) و قرآن می فرماید: {قَالُواْ مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَ لَاكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَهِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَالِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ}(۸۷) {فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُواْ هَاذَا إِلَاهُكُمْ وَ إِلَاهُ مُوسىَ فَنَسىِ َ} (۸۸) کتاب مقدس، سازندهٔ گوساله که در زمان غیبت موسی ساخته شد را هارون می داند ولی قرآن مجید، سازندهٔ گوساله در زمان غیبت موسی علیه السلام را سامری می داند. ببینید نه تنها قرآن مجید تایید نمی کند کتاب مقدس را بلکه با مطالبی که دارد نفی می کند کتاب مقدس و نفی می کند از اینکه کلام خداوند باشد.

ص: ۳۶

ص: ۳۷

دلایل عقلی تحریف تورات و انجیل

رابعاً تحریف تورات وانجیل موجوده با دلایل عقلی ثابت و محقق است

ص: ۳۸

زیرا که تورات و انجیل کلام خدا را از جانب پروردگار عالم به حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام نازل شده و در آن زمان احکام و فرمان خداوند عالمیان بوده ولی این تورات و انجیل که در دست یهود و نصاری موجود است کلام خداوند و احکام او نیست، بلکه اینها تاریخ و وقایع و اتفاقات زمان حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام می باشد و با مختصر ذکری از احکام (۱) چون تورات و انجیل یک کتاب آسمانی بوده ولی حالا به اسم آنها چندین جلد کتاب جمع آوری و تدوین شده، پس آیا انجیل آسمانی انجیل متی و یا انجیل لوقا و یا انجیل مرقس و یا انجیل یوحنا می باشند و یا همه آنها من عند الله است؟! اگر بگویند همهٔ آنها از جانب خداوند نازل شده پس چرا در بین آنها به این اندازه

۱- احکامی که در کتاب مقدس آورده شده است: اول: قطع کردن دست «و اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زننده اش رها کند و دست خود را دراز کرده... پس دست او را قطع کن و چشم تو بر او ترحم نکند» (تثنیه ۲۵:۱۱۱۲) آیا عقل سلیم قبول می کند که زنی بخاطر نجات شوهرش دستش قطع شود هیچ انسان عاقلی نمی پذیرد چه رسد به خداوند حکیم ودانا! دوم: سنگسار اگر شخصی فرزند سرکش و خلافکاری داشته باشد و علیرغم تلاشها و نصیحت پدرش اصلاح نشود باید او را نزد ریش سفیدان ببرند و بگویند: "این پسر ما لجوج و سرکش است حرف ما را گوش نمی کند و به ولخرجی و میگساری می پردازد" آنگاه اهالی شهر او را سنگسار کنند تا بمیرد به این طریق شرارت را از میان خود دور خواهید کرد و همهٔ جوانان اسرائیل این واقعه را شنیده، خواهند ترسید. سوم: فروش دختر در عهد عتیق خداوند اجازه می دهد پدر، دخترش را به مرد دیگری بفروشد: «اگر شخصی دختر خود را به کنیزی بفروشد مثل غلامان بیرون نرود» سفر خروج ۲۱ : ۷ با توجه به احکامی که ما به چندتا از آنها اشاره کردیم می توان این احکام را به خداوند حکیم ودانا و مهربان نسبت داد آیا حتی این احکام را می توان به شخص عاقل و حکیم نسبت داد؟

ص: ۳۹

تباین و اختلاف واقع شده؟(۱) اگر گویند یکی از آنها من عند الله است در

۱- مسیحیان معتقدند که کتاب مقدس تماما کلام خداوند است و بشر غیر از کتابت هیچ دخالتی در مضمون آیاتش ندارد. اگر اینگونه است پس چرا در بین کتابهای کتاب مقدس اختلاف وجود دارد مگر مطالب از شخص واحد و حکیم نمی باشد پس چرا حتی در یک مسئلهٔ معمولی هم اختلاف وجود دارد به عنوان مثال آیا خداوند گنجایش حوض که در خانهٔ خودش است را نمی داند و خبر ندارد که در یک جا می گوید چهل هزار لیتر و در جای دیگر می فرماید شصد هزار لیتر و جالب اینجاست که اختلاف هم بسیار زیاد است که حاکی از این است که نویسنده مطالب دو نفر بودند که از حال دیگری و نوشتهٔ یکدیگر خبر نداشتند. تناقضات عهد عتیق ۱- داستان یهوشافاط یهو شافاط یکی از پادشاهان بنی اسرائیل بود وی در دوران سلطنت خود کارهای بی شماری انجام داد و خداوند را با جان و دل خدمت کرد در زمان حکومت وی روی تپهٔ مجاور اورشلیم بتخانه هایی وجود داشت. در کتاب دوم تواریخ می نویسد که یهوشافاط کارهای بسیاری انجام داد از جمله بتهای روی تپه را خراب کرد ولی در کتاب اول پادشاهان می نویسد که او خدمات بسیاری انجام داد ولی فقط بتهای روی تپه را خراب نکرد آیا این تناقض نیست؟ برای روشن شدن مطلب اصل آیات را می آوریم: الف) "پس خداوند موقعیت سلطنت یهوشافاط را تحکیم نمود... یهوشافاط با دل و جان، خداوند را خدمت می کرد. او بتکده های روی تپه ها را خراب کرد و بتهای شرم آور اشیره را درهم شکست." (دوم تواریخ ۱۷ : ۵ .) ولی در جای دیگر میگوید: ب) "یهوشافاط در سن سی و پنج سالگی بر تخت نشست و بیست و پنج سال در اورشلیم سلطنت کرد... او هم مثل پدر خود آسا مطابق میل خداوند عمل می کرد به جز در یک مورد و آن اینکه بتخانه های روی تپه ها را از بین نبرد." (اول پادشاهان ۲۲ : ۴۲) ۲-مرگ هارون در تورات داستان مرگ هارون با جزئیات ذکر شده است ولی در محل وفات وی اختلاف وجود دارد: الف) "وقتی که به بالای کوه رسیدند، موسی لباس کاهنی را از تن هارون درآورد و به پسرش العازار پوشانید. هارون در آنجا روی کوه هور درگذشت." (اعداد ۲۰ : ۲۸) ب) "سپس قوم اسرائیل از ئبیروت بنی یعقان به موسیره کوچ کردند. در آنجا هارون درگذشت و مدفون گردید و پسرش العازار به جای او به خدمت کاهنی پرداخت." (تثنیه ۱۰ : ۶) تناقضات عهد جدید ۳-چند روز بعد عیسی[علیه السلام] بر کوه آمد الف) "شش روز بعد، عیسی با پطرس، یعقوب و یوحنا به بالای تپه ای رفت. کس دیگری در آنجا نبود. ناگاه صورت عیسی به طرز پرشکوهی شروع به درخشیدن کرد، و لباسش درخشان و مثل برف سفید شد." (مرقس ۹ : ۲) ب) "هشت روز پس از این سخنان، عیسی به همراه پطرس، یعقوب و یوحنا، بر فراز تپه ای برآمد تا دعا کند. ۲۹ به هنگام دعا، ناگهان چهرهٔ عیسی نورانی شد و لباس و از سفیدی، چشم را خیره می کرد" (لوقا ۹ :۲۸) ۴-نسب حضرت مسیح [علیه السلام] یکی از اشکالاتی که به انجیل میشود بحث نسب نامه عیسی مسیح است در دو انجیل لوقا و متی نسب نامهٔ حضرت عیسی ذکر شده و در هر دو عیسی فرزند داود شناخته میشود. ولی در انجیل متی عیسی از ناتان به داود میرسد و در انجیل لوقا از سلیمان به داود میرسد با وجود اینکه ناتان و سلیمان دو برادر بودند چگونه میشود یک نفر از نسل دو برادر با هم باشد؟ ۱ عیسی پدر داود پیغمبر بود و داود پدر سلیمان بود. (متی ۱ : ۶) ۲ پدر ناتان، داود بود. پدر داود، عیسی بود. (لوقا ۳ : ۳۱) ۵-مسیح چند روز در قبر بود عیسی مسیح پیش گویی میکند "همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بود پسر انسان (خود عیسی مسیح) هم سه شبانه روز در زمین خواهد بود" (انجیل متی۱۲: ۴۰) ولی وقتی اناجیل داستان به صلیب کشیده شدن مسیح را نقل می کنند چنین گزارش می دهند که مسیح، جمعه به صلیب کشیده شد (متی ۲۵ :۲۷-۴۶) و در غروب آن روز وی را دفن کردند و صبح زود یکشنبه وقتی بر سر قبر وی آمدند قبر را خالی یافتند (متی ۶ : ۲۸) شایان ذکر است که تناقضات کتاب مقدس

بیش از این می باشد ولی بخاطر اختصار به پنج مورد اشاره کردیم. * وقتی سلیمان هیکل و معبد مخصوصش را ساخت طبق دستور خداوند حوضی در وسط آن گماشت که در مقدار گنجایش آن حوض اختلاف است: الف) ضخامت دیوارهٔ حوض به پهنای کف دست بود. لبهٔ آن بشکل جام بود و مانند گلبرگ سوسن به طرف بیرون باز می شد. گنجایش آن بیش از چهل هزار لیتر بود. (کتاب اول پادشاهان ۷ : ۲۶) ب) ضخامت دیوارهٔ حوض به پهنای کف دست بود. لبهٔ آن به شکل جام بود و مانند گلبرگ سوسن به طرف بیرون باز می شد. گنجایش آن بیش از شصت هزار لیتر بود. (کتاب دوم تواریخ ۴: ۵) * یهویاکین، چند ساله بود که به پادشاهی رسید:(۱۸ ساله یا ۸ ساله) یکی دیگر از موارد تناقض در کتاب مقدس سن یهویاکین در موقع رسیدن به پادشاهی است در یک کتاب میفرماید یهویاکین ۸ ساله بود و در جای دیگر میفرماید یهویاکین ۱۸ ساله بود. الف) یهویاکین هیجده ساله بود که پادشاه یهودا شد و سه ماه در اورشلیم سلطنت کرد. (کتاب دوم پادشاهان ۲۴ :۸) ب) یهویاکین هشت ساله بود که پادشاه شد و سه ماه و ده روز در اورشلیم سلطنت کرد. (کتاب دوم تواریخ ۳۶ : ۹) قابل توجه خوانندگان محترم: در ترجمه تفسیری هر دو را ۱۸ نوشته تا تناقض موجود برطرف شود داود به خاطر بی اعتمادی که به خداوند داشت (در سرشماری لشکر) خدا تصمیم به مجازات داود گرفت و خداوند مخیر گذاشت داود را در انتخاب یکی از سه مجازات که باز می بینیم در اینجا هم اختلاف بین آیات موجود است: * چند سال قحطی (سه سال یا هفت سال) الف) پس جاد نزد داود آمده، پیغام خداوند را به او رساند و گفت: «بین این سه، یکی را انتخاب کن، هفت سال قحطی در کشور، سه ماه فرار از دست دشمنانت یا سه روز مرض مهلک در سرزمینت. (کتاب دوم سموئیل ۲۴ :۱۳) ب) جاد پیش داود آمد و پیغام خداوند را به او رسانده، گفت: «بین این سه، یکی را انتخاب کن: سه سال قحطی، یا سه ماه فرار از دست دشمنت یا سه روز مرض مهلک و کشتار به وسیلهٔ فرشتهٔ خداوند (کتاب اول تواریخ ۲۱ : ۱۱)

ص: ۴۰

ص: ۴۱

این صورت نسبت دیگر کتب به خداوند عالمیان کذب و افترا خواهد شد. در هر دو صورت تحریف و تغییر آنها ثابت و محقق می شود چنانچه جای انکار بر هیچ عوامی نخواهد ماند و اگر کسی عقل و انصاف نداشته باشد و متدین بر دین حق نشود پس برای او حضرت موسی و عیسی و پیغمبران گذشته و فرمایشات ایشان فایده نخواهد داشت؛ چنانچه بر بعضی از علماء یهود فرمایشات و معجزات حضرت عیسی علیه السلام فایده نکرده و از دین خود برنگشت و معجزات آن حضرت را سحر نامیده و ایمان نیاوردند. همچنین گشت در زمان پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم . و بالجمله چون در ایام سلف کاغذ اختراع نشده و اسباب طبع و نشر نبود و نسخه های آنها خیلی کم بود و تحریف و

ص: ۴۲

تغییر آنها نهایت آسان بودند و اختیار کتب در تصرف علماء با ثروت بود و به جعل قانون و اجرای آن مقتدر بودند چنانچه اولیای امور و وزراء هر دولت با وجود مذهب و ایمان به پیغمبری قانونی وضع و به آن نیز عمل می کنند تبدیل و تحریف دین و کتاب نیز به همین ترتیب بوده است.(۱)

۱- مصنف به دو مورد از موارد زمینه تحریف کتاب مقدس اشاره کرده ودر تکمیل فرمایشات مولف محترم به دو مورد از زمینه های تحریف اشاره می نمائیم: گم شدن کتاب مقدس کتاب تورات که مهمترین بخش عهد عتیق است و به اعتقاد رسمی کلیسا تألیف حضرت موسی است، در برهه ای از تاریخ گم شد و مدتهای مدید از نظرها غایب بود. طبق گزارش این دو کتاب، زمانی که صندوق عهد که محل نگهداری تورات بود (تثنیه ۳۱: ۹) را گشودند اثری از تورات نبود و فقط دو لوح سنگی باقی مانده بود که بر آنها احکام دهگانه نگارش شده بود. یوشیا در سال هجدهم حکومتش مشغول تعمیر خرابیهای خانه یهوه شد و تعداد زیادی نجار و بنا و معمار و سنگ تراش در خانه یهوه گماشت که ناگهان: ۸ حِلقیا رئیس کهنه به شافانِ کاتب گفت: "کتاب تورات را در خانه یَهُوَه یافته ام" و حِلقیا آن کتاب را به شافان داد که آنرا خواند. ۹ ...و شافان کاتب پادشاه را خبر داده گفت: "حِلقیا کاهن کتابی به من داده است." پس شافان آنرا به حضور پادشاه خواند. ۱۱ پس چون پادشاه سخنان سفر تورات را شنید لباس خود را درید. (دوم تواریخ ایام ۳۴) و(دوم پادشاهان ۲۲) بنی اسرائیل که در طول سالهای متمادی به بت پرستی گرویده بودند، به طور کلی از شریعت موسی و کتاب تورات غافل شده بودند چنانچه در کتاب دوم تواریخ ۱۵ :۳ آمده است: «و اسرائیل مدت مدیدی بی خدا و بی کاهن معلم و بی شریعت بودند» بنی اسرائیل چنان از تورات بی خبر بودند که گویی اصلا چنین کتابی بر اجداد آنها نازل نشده بوده است ، در کتاب نحمیا ۸ :۱۴ آمده است : «و در تورات چنین نوشته یافتند که خداوند به واسطهٔ موسی امر فرموده بود که بنی اسرائیل در عید ماه هفتم در سایبانها ساکن شوند» انگیزه تحریف در طول تاریخ، همیشه افرادی بوده اند که جهت کسب منافعی شخصی یا مصلحت اندیشی های دینی از تحریف ادیان باکی نداشتند. از بارزترین نمونه های این افراد می توان به پولس اشاره کرد: وقتی که با مسئلهٔ ختنه مواجه شد و دریافت که غیر از یهودیان نمی توانند به راحتی با این مسئله کنار بیایند آن را کنار گذاشت. و زمانی که متوجه شد بت پرستان علاقه و دلبستگی خاصی به عقاید خویش در مورد منجی دارند، بدون معطلی عیسی را طبق خواستهٔ آنان توصیف کرد و اینگونه بود که توانست به سرعت دیگران را جذب مسیحیت کند و از این رهگذر خود را به شخصیت برجستهٔ مسیحیت تبدیل کرد . نمونه زنده آن نقاشی مسیح مطابق با فرهنگ های کشور های مختلف است.

ص: ۴۳

ص: ۴۴

ص: ۴۵

ص: ۴۶

فصل سوم: کج روی و بد اندیشی

نسبتهای ناروا

خامساً در تورات و انجیل فعلی، چیزهایی هست که نمی توان آنها را به شخص متدین نسبت داد تا چه رسد به یک پیغمبر و یا به خداوند تبارك و تعالی.(۱) مثل اینکه در این تورات خداوند به هارون می گوید:

۱- در این استدلال مولف کتاب به دومورد بیشتر استناد نکرده با توجه به اینکه تعدادشان از انگشتان دو دست فزونتر می باشد که به جهت اختصار ما به چهارمورد اشاره می نماییم دروغ بستن پیامبر به خدا نبی سالخورده ای در شهر بیت ئیل ساکن بود که خبر دار شد نبی دیگری وارد شهر شده و قصد عزیمت از این شهر را دارد شتابان سر راه نبی رهگذر رفت و ... مرد خدا را گفت: "همراه من به خانه بیا و غذا بخور." ۱۶ او در جواب گفت که "همراه تو نمیتوانم برگردم.... ۱۷ زیرا که به فرمان یَهُوَه به من گفته شده است که در آنجا نان مخور و آب منوش و از راهی که آمده ای مراجعت منما." او وی را گفت: "من نیز مثل تو نبی هستم و فرشته ای به فرمان یَهُوَه با من متکلم شده گفت او را با خود به خانه ات برگردان تا نان بخورد و آب بنوشد." اما وی را دروغ گفت. ۱۹ پس همراه وی در خانه اش برگشته غذا خورد و آب نوشید. و به آن مرد خدا که از یهودا آمده بود ندا کرده گفت: "یَهُوَه چنین میگوید: چونکه از فرمان یَهُوَه تمرد نموده حکمی را که یَهُوَه خدایت به تو امر فرموده بود نگاه نداشتی ۲۲ و برگشته در جایی که به تو گفته شده بود غذا مخور و آب منوش غذا خوردی و آب نوشیدی لهذا جسد تو به قبر پدرانت داخل نخواهد شد." ۲۳ پس بعد از اینکه او غذا خورد و آب نوشید الاغ را برایش بیاراست یعنی به جهت نبی که برگردانیده بود. ۲۴ و چون رفت شیری او را در راه یافته کُشت و جسد او در راه انداخته شد. (اول پادشاهان ۱۳ : ۱۱ ۲۶) داستان داود و همسر اوریا و واقع شد در وقت عصر که داود از بسترش برخاسته بر پشت بام خانهٔ پادشاه گردش کرد و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شستشو می کند و آن زن بسیار نیکو منظر بود. ۳ پس داود فرستاده دربارهٔ زن استفسار نمود و او را گفتند که "آیا این بتشَبع دختر اِلیعام زن اُوریای حِتّی نیست؟" ۴ و داود قاصدان فرستاده او را گرفت و او نزد وی آمده داود با او همبستر شد و او از نجاست خود طاهر شده به خانهٔ خود برگشت. ۵ و آن زن حامله شد و فرستاده داود را مخبر ساخت و گفت که من حامله هستم. ۶ پس داود نزد یوآب فرستاد که اوریای حِتّی را نزد من بفرست و یوآب اُوریا را نزد داود فرستاد. ۷ و چون اوریا نزد وی رسید داود از سلامتی یوآب و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید. ۸ و داود به اوریا گفت: "به خانه ات برو و پایهای خود را بشو." پس اوریا از خانهٔ پادشاه رفت و از عقبش خوانی از پادشاه فرستاده شد. ۹ اما اُوریا نزد در خانهٔ پادشاه با سایر بندگان آقایش خوابیده به خانه خود نرفت. ۱۰ و داود را خبر داده گفتند که "اُوریا به خانه خود نرفته است." پس داود به اُوریا گفت: "آیا تو از سفر نیامده ای پس چرا به خانه خود نرفته ای؟" اُوریا به داود عرض کرد که "تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند و آقایم یوآب و بندگان آقایم بر روی بیابان خیمه نشینند و آیا من به خانه خود بروم تا اکل و شرب بنمایم و با زن خود بخوابم؟ به حیات تو و به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد." و بامدادان داود مکتوبی برای یوآب نوشته به دست اوریا فرستاد. ۱۵ و در مکتوب به این مضمون نوشت که "اوریا را در مقدمهٔ جنگِ سخت بگذارید و از عقبش پس بروید تا زده شده بمیرد." (دوم سموئیل ۱۱: ۲-۲۷) حکم جهاد در کتاب مقدس ببینیم قوم خدا با ساکنان بومی ارض موعود چه می کنند خداوند چنین فرمان می دهد: اما از شهرهای این امتهایی که یَهُوه، خدایت، تو را به ملکیت می دهد، هیچ ذی نفس را زنده مگذار. بلکه ایشان را، ....، بالکل هلاک ساز. (تثنیه : ۱۶:۲۰)

خداوند به شاوول فرمان می دهد: «حال برو و مردم عمالیق را قتل عام کن. بر آنها رحم نکن، بلکه زن و مرد و طفل شیرخواره، گاو و گوسفند، شتر و الاغ، همه را نابود کن» (اول سموییل، ۳:۱۵)

ص: ۴۷

هر وقت بخواهی به چادر من بیایی چنگ و زنگی بر دامنت ببند تا از صدای زنگ، تو را بشناسم.(۱)

و در انجیل یوحنا می گوید:

حضرت عیسی به عروسی رفت و شراب خواست، گفتند شراب تمام شده گفت کوزه ها را پر از آب کنند و بعد آنها را با دعا و معجزه شراب نمود و در آن مجلس خوردند.(۲)

۱- خروج باب ۲۸ آیهٔ ۳۱ الی ۳۸

۲- و چون شراب تمام شد مادر عیسی بدو گفت: شراب ندارند.[۴] عیسی بدو گفت: ای زن مرا با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است. [۵] مادرش به نوکران گفت: هر چه به شما گوید بکنید. [۶] و در آنجا شش قدح سنگی بر حسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر کدام گنجایش دو یا سه کیل داشت. [۷] عیسی بدیشان گفت قدحها را از آب پر کنید. و آنها را لبریز کردند. [۸] پس بدیشان گفت الان بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید. [۹] و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود بچشید و ندانست که از کجاست. لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند می دانستند. انجیل یوحنا باب ۲

ص: ۴۸

و بسیاری از مطالب که موسی علیه السلام چه ها کرد و عیسی علیه السلام چه ها نمود(۱) و فلانی چه گفت و چه اقدامی نمود که ذکر آنها نسبت به پیغمبر و پیشوایان و خداوند قباحت دارد و علاوه بر آنها گفتهٔ فلانی و عمل دیگری، چه ربطی به کلام و کتاب خداوند و احکام او دارد و آیا ذکر احوالات حضرت موسی و عیسی علیهماالسلام که بعد از مدتی از طرف دو سه نفر نقل شود(۲) و آنهم با اختلاف

۱- مطابق این آیات، مسیح به برادرانش گفت شما بروید اما من نمی آیم ولی پس از آنکه آنها رفتند خود مخفیانه به آنجا رفت. و عید یهود که عید خیمه ها باشد نزدیک بود پس برادرانش بدو گفتند از اینجا روانه شده به یهودیه برو تا شاگردانت نیز آن اعمالی که تو می کنی را ببینند زیرا هر که می خواهد آشکار شود در پنهانی کار نمی کند پس اگر این کارها را می کنی خود را به جهان بنما آنگاه عیسی بدیشان گفت وقت من هنوز نرسیده .... شما برای این عید بروید من به این عید نمی آیم زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است ... لکن چون برادرانش برای عید رفته بودند او نیز آمد، نه آشکار بلکه در خفا» (یوحنا ۷: ۱-۱۰)

۲- در تتمهٔ کتاب و در اثبات تحریف تورات و انجیل اشاره می کنیم به نقدهای اسپینوزای هلندی که الحق و الانصاف با دلایلی که آورده جائی برای شک در تحریف کتاب مقدس نگذاشته است و بر هر محقق لازم است که نقدهای اسپینوزا را با دقت بخواند و بخاطر بسپارد. نقدهای اسپینوزا دانشمند یهودی، ابراهیم ابن عزرا (۱۰۸۹ ۱۱۶۴ م.) در تفسیرش بر سِـفر تثنیه عبارات مبهم و رمز آلودی نوشت و در پایان گفت: کسی که آن را میداند باید ساکت بماند. قرنها بعد باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲ — ۱۶۷۷م.)، سخنان ابن عزرا را بازگشایی کرد و سر از این راز مهم برداشت. اشکالات ابن عذرا و اسپینوزا آن طرف رود اردن کنعانیان در آن زمین بودند. حضرت موسی وقتی داستان سفر ابراهیم از اور به فلسطین مینویسد می فرماید: «۶ و ابرام در زمین می گشت تا مکان شکیم تا بلوطستان موره. و در آنوقت کنعانیان در آن زمین بودند. ۷ و یَهُوَه بر اَبرام ظاهر شده گفت: "به ذریت تو این زمین را می بخشم." و در آنجا مذبحی برای یَهُوَه که بر وی ظاهر شد بنا نمود». پیدایش (۶:۱۲) از مفهوم آیهٔ مزبور فهمیده می شود در زمان تدوین تورات کنعانیان در این زمین نبودند که حضرت موسی فرموده در زمان ابراهیم بودند در حالیکه کنعانیان سالها پس از موسی از سرزمینشان اخراج شدند. داستان مرگ موسی در تورات داستان مرگ نویسنده آن ذکر شده و می فرماید: پس موسی بندهٔ یَهُوَه در آنجا به زمین موآب برحسب قول یَهُوَه مرد. و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور در دره دفن کرد و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است. و موسی چون وفات یافت صد و بیست سال داشت و نه چشمش تار و نه قوتش کم شده بود. بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت.(سفر تثنیه ۵:۳۴-۹) شهرهایی که بعد از موسی نامگذاری شدند هنگامی که داستان ابراهیم و لوط را می نویسد میگوید... چون ابراهیم از اسیری برادر خود آگاهی یافت، سیصد و هجده تن از خانه زادان کار آزموده خود را بیرون آورده در عقب ایشان تا دان بتاخت شبانگاه او و ملازمانش بر ایشان فرقه فرقه شده ایشان را شکست داده. سفر پیدایش (۱۴:۱۴) در حالی که نام این شهر در زمان حضرت موسی "دان" نبوده و به آن "لارش" می گفتند و حدود دو قرن بعد از حضرت موسی نام این شهر از "لارش" به "دان" تغییر پیدا کرد در سفر داوران میخوانیم: «و شهر را به اسم پدر خود دان، که برای اسرائیل زائیده شد، دان نامید، اما اسم شهر قبل از آن لایش بود» (سفر داوران ۲۹:۱۸)

ص: ۴۹

کثیره، می تواند کتابهای تورات و انجیل شود؟ آیا نقل وقایع زمان آدم و نوح و یا ابراهیم: کتاب آدم و نوح و ابراهیم می شود؟(۱)

۱- باتوجه به متن اناجیل چهارگانه نکته ای یافت می شود که نظر هر محقق را به خود جلب می کند. و آن نکته اینست که اناجیل بیان کننده حالات و سرگذشت حضرت عیسی می باشد نه کلام حضرت عیسی ولذا آقای لز معتقد است: زمانی بیوگرافی نویسی دربارهٔ عیسی توسعه یافت که افکار متوجه شخصیت عیسی و زندگی او درروی زمین گردید و ضرورت اینکار زمانی قدرت گرفت که مجبور شدند با روایاتی که اصولاً وجود عیسی را بر روی زمین انکار می کرد و فقط به مسیح روحانی و الهی توجه داشت، به مبارزه پردازند. برای اینکار نویسندگان می بایستی از زبان کسانی که عیسی را روی زمین دیده و با او بسر برده بودند حکایاتی را نقل می کردند.(تحقیقی در دین مسیح ص ۱۹)

ص: ۵۰

ادعای جاهلانه

آنچه خداوند بحضرت موسی و عیسی علیهماالسلام دستورالعمل داده و وحی نموده و بدون اختلاف در نسخه های تورات و انجیل که ذکر شده کلام خدا و احکام اوست و در آن زمان وسیلهٔ هدایت بود. میرزا اسماعیل گفته که بعضی از نسخه های تورات و انجیل از زمان قدیم مانده و با نسخه های جدید موافق بوده و تحریفی نشده است.(۱)

۱- در این قسمت اشاره می نماییم به گفتهٔ آقای همدانی مبنی بر اینکه تورات و انجیل از زمان قدیم مانده و با نسخه های جدید مطابقت دارد و با اندک تحقیق در تاریخ میتوان یافت که گفته آقای همدانی صحیح نیست تا جایی که حتی قدیمیترین نسخهٔ موجوده از کتاب با اصل آن سالها فاصله دارد و دارای اختلافات زیادی می باشد به عنوان مثال عهد عتیق: نسخهٔ سینایی عهد عتیق به عنوان قدیمیترین دست نوشتهٔ یونانی کتاب مقدس نام می برند که در نیمهٔ قرن نوزدهم در صومعهٔ کاترین مقدس (s.catrine) در سینا توسط تیشندروف کشف شد نسخهٔ سینایی در نیمهٔ قرن چهارم در مصر یا فلسطین نوشته شده (سیر تحول کتاب مقدس ص۱۹۳) عهد جدید: قدیمیترین نسخ برجای مانده از عهد جدید، پاپیروسهایی می باشند که قدمت برخی به ۵۰ تا ۱۰۰ سال پس از اتمام نگارش متون قانون ثانی (یعنی سدهٔ دوم میلادی) می رسد. از جملهٔ آنها پاپیروس های اکسیرینکوس که بخش اعظمی از پاپیروس موجود عهد جدید را تشکیل می دهند. پاپیروس های بادمر که شامل بخش های مهمی از انجیل یوحنا، انجیل لوقا، انجیل متی، اعمال رسولان، ۲ رساله پطرس، ۳ رسالهٔ یوحنا، و رسالات یعقوب و یهودا می باشند و پاپیروسهای چستربیتی از مهمترین اکتشافات کتاب مقدس پس از نسخه سینائیه می باشند. حال با توجه به مطلب بالا و این نکته که سال نگارش این کتابها بر میگردد به زمان حواریون و در تورات به قبل حضرت عیسی می بینیم دارای فاصله زیادی می باشد تاریخ نگارش انجیل های چهارگانه به سال ۶۰ تا ۸۰ میلادی و تاریخ تورات به سال ۲۴۴۸ عبری یا برابر ۱۳۱۲ قبل از میلاد بر می گردد که با نسخه قدیمی بر جای مانده فاصله زیادی دارد. (گفتن این نکته خالی از لطف نیست که نقلهای بالا نسبت به پاره ای از کتاب مقدس است وگرنه کتاب کامل آنها به سالهای بعدتر بر میگردد که در این صورت فاصله، بیش از این چیزی می شود که ذکر کردیم) و جالب اینجاست تحقیق و بررسی معتبرترین نسخه های کتاب مقدس اعم از نسخهٔ عبرانی یا مسورایی، سامری، سپتواجینت، سینایی، واتیکانی، اسکندرانی و افرائیمی،آشکارا نشان می دهد کلمات و آیات با هم هزاران اختلاف دارند. بعضا فصل، آیه یا کلمه ای حذف و یا افزوده شده است. در این جا به برخی از این اختلافات اشاره می نماییم عُمر متوشالح در متن عبری و اسکندرانی دربارهٔ عُمر متوشالح چنین ذکر شده (متوشالح صد و هشتاد و هفت سال بزیست، و لَمَکْ را آورد. و متوشالح بعد از آوردن لمک، هفتصد و هشتاد و دو سال زندگانی کرد وپسران و دختران آورد) اما در ترجمهٔ سپتواجینت ذکر شده است (متوشالح صد و شصت و هفت سال بزیست و لمک را آورد. متوشالح بعد از آوردن لمک هشتصد و دو سال زندگانی کرد و پسران و دختران آورد(پیدایش ۲۵:۵ و ۲۶) پسرا خدا و یا فرشتگان خدا؟ در کتاب پیدایش ۲:۶ نسخهٔ عبرانی آمده (پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند) اما در متن اسکندرانی چنین مزکور است (فرشتگان خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند). سیر تحول کتاب مقدس ص۳۱۹

ص: ۵۱

اولاً ـ آنچه می گوید فقط ادعا است و ثانیاً در صورت صحت باز به حال و دلائل آن فایده ندارد زیرا آنها کتب و کلام آسمانی نیست و بلکه جمع و تألیف بعضی حوّاریون و اصحاب موسی و عیسی است چنانچه ذکر شد. اگر هزار دلیل و شاهد بر عدم تحریف تورات و انجیل اقامه نماید باز در مقابل دلائل عقلی و نقلی ما اسلامیان بی ثمر و هیچ است زیرا شهادت بر نفی و عدم در منطق هیچ مذهب و ملت موجود نیست. اگر هزار نفر شخص عادل بگوید که زید بر عمر مدیون نیست در این بین اگر دو نفر عادل بگویند مدیون است در این صورت دِین زید بر عمر ثابت می شود.

آقا میرزا اسماعیل تا بحال این مسئلهٔ عرفی و شرعی و حسی را نفهمیده و از قانون و مذهب ملل عالم بی خبر است و کسی به این جهل و نادانی که ضروریات را نداند چطور مقاله می نویسد و راضی به نشر کلمات خود می شود

ص: ۵۲

و شاید مرادش اخذ پول بوده و در این ضمن هم خواسته بطلان دلایل امریکائیان را اظهار نماید که ای مردمان اینهاست دلایل آنها که از تار عنکبوت اوهن است. بی شک مرد عاقل نباید چیزی گوید و خودش را در انظار عقلا جاهل قلمداد کند.

و احقر تحریف تورات و انجیل را یا تصریح خود آن کتابها در کتاب کشف الحجاب فی نجاست اهل کتاب مشروحاً ذکر و حقانیت مذهب اسلام و صدق و حق بودن قرآن را در کتاب عروه الوثقی و در مجموعهٔ عقاید الاسلام تفصیلاً بیان کرده ام و هرکه مایل باشد به آن کتابها رجوع نماید.

شفاعت خواهی از قرآن برای انجیل و تورات

سادساً آیاتی که آقا میرزا اسماعیل شاهد آورده و اطاعت مردم را به تورات و انجیل واجب نموده به تحریف و تبدیل آنها قائل نشده در صورتیکه در زمان پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم از علماء یهود و نصاری اشخاصی بودند که از میرزا اسماعیل هزار مرتبه اعلم و با خبرتر بودند پس چرا ایشان بر پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص آیات راجع به تحریف شدن تورات و انجیل معترض نشدند و جوابی ندادند و چرا علما و فضلاء یهود و نصاری نگفتند آیات قرآنی تو دلیل است بر تابع شدن مردمان بر تورات و انجیل. در صورتی که همهٔ آنها عرب و اهل لسان بودند و حالا نیز از اعراب ایشان هستند و آن حضرت سیزده سال در مکه دارای شمشیر و لشکر نبود و بر اقامهٔ دلیل هر کسی حاضر و جواب ایراد کنندگان را می فرمود و هر کسی فرمودهٔ آن را حق و قرآن مجید را، مِن عند الله می فهمید و ایمان می آورد و اظهار اسلامیت می کرد. در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

ص: ۵۳

منابع و مآخذ

قرآن مجید

کتاب مقدس (تورات و انجیل موجود در جهان)

تفسیر صافی فیض کاشانی ملا محسن چاپ دوم ۱۴۱۵ ق

تحقیقی در دین مسیح جلال الدین آشتیانی چاپ سوم بهار ۱۳۸۹

کلام مسیحی توماس میشل

سیر تحول کتاب مقدس محمد شمس چاپ اول ۱۳۸۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹